

رسالة الآراء الطبيعية التي ترضى بها الفلاسفة

منبعی برای فهم پیش از سقراطیان در عالم اسلام
و معرفی نسخه‌هایی از این رساله

۱۳۲-۱۲۱

چکیده: تاریخ فلسفه در یونان با فیلسوفانی آغاز شده که از آنها با عنوان «پیش از سقراطیان» نام برده می‌شود. امروزه با تلاش‌هایی که هرمان دیلز و والتر کرانتس در جمع‌آوری آثار باقی‌مانده از این دسته از فیلسوفان داشته‌اند، می‌توان تا حدودی آراء و اندیشه‌های آنان را دانست. در این میان فیلسوفان مسلمان نیز گاه به آرای از فیلسوفان پیش از سقراطی اشاره می‌کنند. می‌توان گفت منبع اصلی آنها برای استناد اقوالی به فیلسوفان پیشاسقراطی رساله الآراء الطبيعية التي ترضى بها الفلاسفة منسوب به فلوطرخس است. موضوع اصلی این مقاله معرفی این کتاب و نسخه‌های برجای‌مانده از آن و بررسی‌ای درباره محتوای آن است. روش تحلیل داده‌ها توصیفی-تحلیلی و تاریخی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. نتیجه‌ای جمالی که این نوشتار به آن دست یافته، این است که این رساله در فهم فیلسوفان مسلمان پیش از سقراطیان نقش کلیدی داشته و گزارش‌های بعدی درباره این دسته از فیلسوفان در عالم اسلام تحت تأثیر این رساله و فهم‌هایی بوده که از این رساله شده است و با توجه به نسخه‌های تازه‌یاب از این رساله تصحیح مجدد آن نیز از امور مهمی است که اهل فلسفه باید به آن اهتمام ورزند.

واژگان کلیدی: فلوطرخس، الآراء الطبيعية، پیشاسقراطیان، فیلسوفان مسلمان، نسخه‌های خطی

The Treatise of “al-Ārā al-Ṭabi’iyyah Allatī Tarḍā Bihā al-Falasifah” is a Source of Pre-Socratic Understanding in the Islamic World. and Introducing the Manuscripts of this Treatise

Mahdi Asgari

Abstract: The history of philosophy in Greece began with the philosophers who are called «Pre-Socratics». Today, with the efforts of Hermann Diels and Walter Krantz in collecting the remaining works of this group of philosophers, we can know their opinions and thoughts to some extent. Meanwhile, Muslim philosophers also sometimes refer to the opinions of pre-Socratic philosophers. It can be said that their main source for quoting statements from pre-Socratic philosophers is the treatise of al-Ārā al-Ṭabi’iyyah Allatī Tarḍā Bihā al-Falasifah attributed to Plutarch. The main topic of this article is the introduction of this book and its remaining manuscripts and a review of its content. The method of data analysis is descriptive-analytical and historical, and the data collection is done by library method. The brief conclusion reached by this article is that this treatise played a key role in the understanding of pre-Socratic by the Muslim philosophers and the subsequent reports about this group of philosophers in the Islamic world were influenced by this treatise and the understandings that came from this treatise. According to the new manuscripts of this treatise, its re-editing is also one of the important things that philosophers should pay attention to.

Keywords: Plutarch, al-Ārā al-Ṭabi’iyyah Allatī Tarḍā Bihā al-Falasifah, Pre-Socratics, Muslim Philosophers, Manuscripts

مقدمه

اصطلاح پیش از سقراطیان با انتشار کتاب پاره‌های پیش از سقراطی (Die Fragmente der Vorsokratiker) توسط هرمان دیلز در سال ۱۹۰۳ میلادی رواج یافت. پیش از آن نیچه از این دسته از متفکران یونانی تحت عنوان «پیش از افلاطونیان» (نیچه، ۱۳۵۴، ص ۳۸) و هگل از آنها با عنوان «پیش از ارسطوئیان» یاد کرده بود (شهابی، ۱۳۹۶، ص ۲۷) اما امروزه با انتشار کتاب دیلز اصطلاح «پیش از سقراطیان» رواج بیشتری یافته است. از این رو در این نوشتار به تبع دیلز از این دسته از متفکران با عنوان پیش از سقراطیان یاد می‌شود.

منابعی چندی وجود داشته است تا فیلسوفان دوره اسلامی با آراء و نظرات پیش از سقراطیان آشنا شوند؛ یکی از منابع آثار ارسطو است. در پاره‌ای دیگر از نوشته‌های ترجمه به تفاریق مطالبی درباره پیش از سقراطیان بیان شده است. اما هیچ‌کدام از این منابع به اندازه الآراء الطبيعية از فیلسوفان پیش از سقراطی آرایبی را بیان نکرده است.

اندیشه‌های پیش از سقراطیان در عالم اسلام توسط برخی از فیلسوفان و عقایدنگاران نیز تکرار شد. در این میان سهم کتاب الآراء الطبيعية منسوب به فلوطرخس بسیار زیاد است. این رساله توسط قسطنطین لوقا به عربی ترجمه شد و در اختیار متفکران مسلمان قرار گرفت.

می‌توان گفت فیلسوفان مسلمان از رهگذر این کتاب و نقل‌هایی که برخی از عقایدنگاران همچون ابن ندیم، ابن ابی‌اصیبغه، شهرستانی و دیگران داشتند، با آراء فیلسوفان پیش از سقراطی آشنا شدند. البته این بدان معنا نیست که تمام آرایبی که در این رساله و در دیگر رساله‌ها بیان شده، انتساب آنها به فیلسوفان صحیح است؛ اما رساله الآراء الطبيعية سهم بسزایی در فهم فیلسوفان مسلمان از پیش از سقراطیان داشته است؛ از این رو موضوع این نوشتار معرفی این رساله و نسخه‌های باقی‌مانده از آن و معرفی محتوای آن است.

پیشینه پژوهش

این رساله به همت مرحوم دکتر عبدالرحمن بدوی منتشر شده است و ایشان مقدمه مختصری بر این رساله نوشته‌اند. مقدمه ایشان هرچند مختصر، اما بسیار پرمحتواست. در پژوهش حاضر سعی بر آن شده با توجه به منابعی که دکتر بدوی در اختیار نداشته، پژوهش ایشان تکمیل شود. در ضمن در پژوهش حاضر به معرفی نسخه‌هایی اشاره شده است که دکتر بدوی در اختیار نداشته است.

۱. درباره احوال و آثار این مترجم نامی رک به: مقدمه قسطنطین لوقا، فرق بین روح و نفس، تحقیق و ترجمه بهرام زاهدی، تهران: مولی، ۱۳۹۶.

درباره الآراء الطبيعية

نویسنده رساله

همان طور که اشاره شد این رساله منسوب به شخصی به نام فلوطرخوس است. در منابع عربی نام او به گونه های دیگر نیز ثبت شده است: فلوطرخیس (خوانساری، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۱۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۴، ص ۳۰۸) و أفلوطرخس (ابن ابی أصیبة، ۲۰۰۱ م، ج ۳، ص ۴۲). در منابع کهن درباره احوال او مطلب چندانی را نمی توان یافت.

برخی او را اولین کسی دانسته اند که در مصر به فلسفه مشهور شده است (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۱۶؛ خوانساری، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۱۷۶). از او در جایگاه کسی یاد شده که به تبعیت از فیلسوفانی همچون تالس و آناکساگوراس پرداخته اند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۷۴). فلوطرخوس کتاب طیماسوس افلاطون را شرح کرده است (ابن ندیم، بی تا، ص ۳۴۴). غیر از آنچه بیان شد، مطلب چندانی درباره شخصیت تاریخی وی میان عقایدنگاران مسلمان یافت نمی شود؛ البته در کتاب های بسیاری اقولی را به او منسوب کرده اند (برای مثال ر. ک به: آمدی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۷۵؛ ابوحاتم رازی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴ و ۱۴۲-۱۴۳).

از فلوطرخس نقل شده است که: «گاو ساخت از گل، روزی اهل شهر او به جهت بتان قربان می نمودند او نیز گاو گلی را قربان کرد. عتاب نمودند او را. گفت: ذبح جان دار از برای چیزی که جان ندارد قبیح است» (شهرزوری، ۱۳۶۵، ص ۲۱۱).

درباره رساله

اما درباره رساله همچون نویسنده اصلی آن توصیفات چندانی میان عقایدنگاران وجود ندارد. دکتر بدوی معتقد است کهن ترین منبعی که از این رساله نامی به میان آورده، البدء و التاریخ مقدسی است (بدوی، ۱۹۸۰، ص ۲۴). مقدسی درباره این کتاب و مؤلف آن در جایی که از «القول فی ابتداء الخلق» بحث می کند، سخن به میان آورده و می نویسد: «قرأت فی کتاب منسوب إلى رجل من القدماء يقال له أفلوطرخس ذکر فيه اختلاف مقالات الفلاسفة و اسمه بکتاب ما یرضاه الفلاسفة من الآراء الطبيعية» (مقدسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶). بعد از مقدسی فیلسوفان و عالمان دیگری همچون ابن ندیم (ابن ندیم، بی تا، ص ۳۵۵؛ قفطی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۴) از این رساله و نویسنده آن نام بردند.^۲

رساله الآراء الطبيعية در پنج مقاله نوشته شده است. مقاله اول در سی باب، مقاله دوم در سی و یک باب، مقاله سوم هجده باب، مقاله چهارم بیست و سه باب و مقاله پنجم در سی باب نوشته شده که

۲. ابن ندیم در جایی دیگر از الفهرست درباره یک فلوطرخس دیگر نیز سخن به میان آورده است. وی می نویسد: «فلوطرخس آخر: وله من الكتب: كتاب الأثهار وخواصها وما فيها من العجائب والجبال وغير ذلك» ص ۳۵۶.

جمع تمامی ابواب آن ۱۳۲ باب است. در هر کدام از این ابواب موضوع‌های متنوعی مطرح شده است که در بیشتر موارد از پیش از سقراطیان روایت می‌شود.

عده‌ای کتاب الآراء الطبيعية را اثر آنتیوس دانسته‌اند. ادکایی در این باره می‌نویسد: «کتاب ما یرضاه الفلاسفة من الآراء الطبيعية، از آنتیوس (سده ۳ م) که آن را از فلوطرخس / پلوتارخس (۴۶ - ۱۲۰ م) فیلسوف آکادمیایی پنداشته‌اند و به لاتینی آن را «پسندیده‌های فلسفی» خوانده‌اند که در سده دوم (م) تألیف شده، سپس به سریانی هم درآمده. گویند نخستین دفتری است که از سریانی به عربی ترجمه شده.؛ اما ترجمه عربی آن را از قسطا بن لوقا بعلبکی یاد کرده‌اند» (ادکایی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۳).

تأثیرگذاری رساله

همان‌طور که در بالا اشاره شد، رساله الآراء الطبيعية تأثیر بسزایی در فهم فیلسوفان دوره اسلامی از پیش از سقراطیان داشته است. در این قسمت برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌شود. البته تذکر این نکته ضروری است که ممکن است فیلسوفانی که از آنها روایت می‌شود، دسترسی مستقیمی به رساله الآراء الطبيعية نداشته‌اند، بلکه با واسطه یکی از عقایدنگاران همچون شهرستانی به این مطالب دسترسی پیدا کرده‌اند؛ از این رو در این قسمت کوشیده شده اگر امکان نشان دادن سیر انتقال باشد، این امر صورت گیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که این سیر انتقال هم به صورت یقینی نیست و صرفاً نشان دادن عبارات مشابه در منابع مختلف و رساله الآراء الطبيعية است و ممکن است فیلسوفان یا متکلمان که از آنها عباراتی نقل می‌شود، از منابع دیگری مطالب را به دست آورده باشند.

در الآراء الطبيعية می‌خوانیم: «أما ثاليس الملطي فإنه قال: إن الماء أول الموجودات. وقد يظن أن هذا الرجل أول من ابتدأ بالفلسفة، وبه سميت فرقة اليونانيين. فقد كان للفلسفة انتقال كثير، وهذا الرجل تفلسف بمصر، وصار إلى ملطية، وهو شيخ» (فلوطرخس، ۱۹۸۰، ص ۹۷). شهرزوری (م ۷ هـ.ق) بیان می‌کند: «وذكروا أن أول من تفلسف ثاليس ملطي وبهم سميت الفلسفة «فلسفة»؛ وكان قد تفلسف بمصر وقدم إلى ملطية وهو شيخ كبير» (شهرزوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵). همان‌طور که از این عبارات دانسته می‌شود، عبارت شهرزوری بسیار شبیه عبارت رساله الآراء الطبيعية است. آنچه شهرزوری درباره تالس نقل کرده، با اندک اختلافی در عبارت توسط ملاصدرا تکرار شده است (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

در الآراء الطبيعية می‌خوانیم: «وأما أنقسامان الملطي فإنه يرى أن مبدأ الموجودات هو الهواء» (فلوطرخس، ۱۹۸۰، ص ۹۸). ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ هـ.ق) می‌نویسد: «وقال أنقسامان الملطي: أول المبادي هو الهواء» (رازی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). فخر رازی (م ۶۰۶ هـ.ق) می‌نویسد: «ومنهم من قال: أصل الأشياء هو الهواء» (فخر رازی، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۳۰).

در الآراء الطبيعية می‌خوانیم: «و للفلسفة أيضاً مبدأ آخر وهو من بوثاغورس بن منسارخس من أهل

سامیا، وهو أول من سمي الفلاسفة بهذا الاسم. وكان يرى أن المبادي هي الأعداد والمعادلات... (فلوطرخس، ۱۹۸۰، ص ۹۹-۱۰۰). شاهد مثال در این عبارت قولی است که به فیثاغورس منسوب می شود و آن اینکه او معتقد بوده است «مبادی (آرچه / arche) همان اعداد و معادلات است». ابن سینا در طبیعیات شفاء می نویسد: «و كذلك من رأى أن المبادي هي الأعداد» (ابن سینا، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵؛ ابن رشد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۳).

آنچه بیان شد تنها سه نمونه از آراییی بود که در رساله الآراء الطبيعية آمده است و فیلسوفان یا عقایدنگاران آنها را نقل کرده اند؛ از این رو می توان گفت این منبع تا اندازه ای در فهم فیلسوفان دوره اسلامی از پیش از سقراطیان تأثیر داشته است.

معرفی نسخه های دیگر از الآراء الطبيعية

اساس کار دکتر بدوی در تصحیح این رساله، تنها یک نسخه خطی است که در کتابخانه ظاهریه دمشق به شماره ۴۸۷۱ موجود است؛ اما از این رساله نسخه های دیگری نیز موجود است که در کار دکتر بدوی مورد توجه قرار نگرفته اند.

نسخه ای از این رساله در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۴۵۷/۲۲ موجود است که در سال ۶۷۷ کتاتب شده است. اصل این رساله به شماره ۳۰۸ در دانشگاه پرینستون آمریکا نگه داری می شود (عایش، ۱۴۳۲، ج ۵/۳، ص ۳۹۲). نسخه عکسی رساله در اختیار کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قرار دارد. همچنین عکس این نسخه در کتابخانه علوم عقلی مؤسسه امام خمینی به شماره ۱۲۹۶/۲۱

صفحه اول رساله الآراء الطبيعية کتابخانه مرعشی نجفی



الربط الياس والبارد والمر والكلو وما في الكفيات ان غلبت بعضها بعضا يحدث
الامراض لان كل واحد اذا غلب بذاته كان معتدا للاخره فاما ازوقلس فزى ان الامراض
تكون اما من قبل العله التي تسمى به وزياده الحرارة والبرودة واما من قبل العله التي
تسمى فيه فهي الدم او في الدماغ لان هذين يكون مسابغين الامراض وقد يكون كثير من
العلل الحاجة اعني للماء والصديد والمده وما اشبه ذلك واما الصلابة فهي
اعتدال الدم على كفتها واما ازوقلس فزى ان كثير من الامراض يكون
مع تذبذب طمعات التي في البدن ومزاج الهواء وزياده الغذاء وقلة الهضم و
مكاد العلة واما اصحاب الرواق الاطباء فانهم متفقون على ان السجوخة
تكون من نقصان الحرارة والذين اكار في ابدانهم كثير يطول مدتهم في الشيخوخة واما
اسدلساس يقول ان الزنوج همون سربعا في مقدار اعتدال الحرارة والهاب الشمس
واما الذين يسكنون البلاد الذي يقال له برطيا همون انهم همون ثمانية وعشرين سنة
لان اما كتم باردة والحرارة الثمانية فلبت فيها وابدان الزنوج مخلطة لان الشمس
قد خلطتها واما الذين يسكنون في الشمال فان ابدانهم متكاثفة ولذلك يكون اطول امانا
تمت المقالة الخامسة من كتاب فلوطرخس
وتمامتم الكتاب وهو ما به واحد وستون بابا وبلغت
وكان اصله سقما سقما احد

صفحه آخر
از رساله الآراء
الطبيعية
كتابخانه مرعشى
نجفى

نگه داری می شود (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۹۸).

در تذکرة النوادر من المخطوطات العربية درباره نسخه دیگری از این کتاب آمده است: «رسالة في الآراء الطبيعية التي يقول بها الحكماء، تصنيف فلوطرخس اليوناني كان فيلسوفاً مذكوراً في عصره... نسخة منه في مكتبة السيد أبي عبدالله الزنجاني بزنجان وهي منقولة عن نسخة مكتوبة في سنة ۶۷۷ هـ.ق» (۱۳۵۰، ص ۱۳۹؛ بروكلمان، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۱). به این نسخه دسترس حاصل نشد؛ اما مشخص است که این نسخه از روی نسخه دانشگاه پرینستون (= نسخه عکسی در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی) نوشته شده است.

نسخه دیگری این رساله به شماره ۲۸۶/۳۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است (حسینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۵؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۴). به گزارش فنخاین رساله در مجله «میراث شهاب» با شماره ۲۸۶/۶۳ فهرست شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۳). این رساله به خط نستعلیق توسط شاه مراد بن نقدعلی فراهانی وارمینی کتابت شده است.

نسخه دیگر این رساله به شماره ۶۵۱۱/۱۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگه داری می شود

بسم الله الرحمن الرحيم
 اكدوا حب العقل والكمية وحب ايسائيه واولياتها الصلوة بذكر كتاب لغو لخص في الآراء
 الطبيعية التي يقول بها الحكماء، وهو محسن تعاليم **المعاد الاولي في الآراء الطبيعية التي يراء الحكماء**،
 لما كنت منهمون على ان تشخص المعاني الطبيعية رأياً ان يجب اضطرار ان تقدم اولاً قسمة
 ضارة الفلاسفة يعلم ايجازاً من اقرانها هو العلم الطبيعي، ولم تقدم ان نقول ان البرهانيين
 قالوا في العنصر انها **اللائية والاشياء** وان العلم هو العنصر العاضد والوالمطابق لهما
 العاضد هي العنصر التي في غاية العلم واحسن العلوم العاضد فمن منتهى
 والخلق والنطق ولهذا العنصر العنصر ذات لغته اولى منها طبيعي ومنها خلق ومنها منطوق
 فالطبيعي هو الذي يمتد من العالم في العالم والخلق هو الذي يتصرف الاذن في الامور
 والمنطق هو الذي يمتد من العالم وهو الذي يمتد في العالم فالعلم هو الذي يتصرف الاذن في الامور
 وبالجملة جميع الحكماء المتأخرين فانهم قسموا الفلاسفة فقالوا فيها لكلام كبرياء اضطرار ان يكون
 في الموجودات عالمها بالجملة وقد يكون ان من ذلك ما اوصف انزل ان طالباً للعلم ليس
 اعظم من المقدار التي يراء فيه فاذا طلب الطالب هذا العلم كان نظراً لانه لم يطبق شيئاً وانظر
 في هذا الموجود وذلك اذ طلب ان يعلم كل العالم غير سناه واما خارج العالم فمشتق فمنه المطالب
 كلها نظرية فاذا طلب الطالب كيف يتبين ان يكون تعرفه وسيرته وكيف يتبين ان يكون الراس
 وكيف يتبين ان يكون وضع التوابع كانت هذه المطالب كلها لما جعل به ويكون الطالب علمياً
الطبيعي من اجزاء ان غرضنا النظر في الآيساء الطبيعية رابت ان يجب اضطرار ان احضر الطبيعة وذلك
 انه سكران الزم الكلام على الطبيعة من غير ان يعلم ما الطبيعة وما قوتها ما قول ان الطبيعة على ان
 ارسلوا ليس سداً او كبره وان يكون فيها ذلك في الاثر الاول لا بعض فان كل البصائر التي
 لم تكن بافتق ولا بالقدرة ولم يكن الهية ولم يكن لها قوة مثل ذلك يقال انها طبيعية وان الطبيعة
 كجها مثل الارض والماء والهواء والسماء والنبات والحيوان وكذلك ما يكون في البرهان
 والبره والعلوم والبراهين فان هذه كلها طبيعية ولهذا سداً ما وذلك ان كل واحد منها لم يكن
 سداً الذي لم يكن لان الرصد ما وكذلك الحيوان والنبات ما سداً في وقت الكون والطبيعة هي
 السداً الاول لغتها وهي سداً للكون وليس للكون فقط بل للكون ايضا فان كل السداً
 للكون فقد تمكن ان يكون كونه نهاية وذلك صارت الطبيعة سداً للكون **انفس البرهان**

صفحه اول
 رساله الآراء
 الطبيعية
 كتابخانه
 مرعشي نجفی

يكون الحمى في الأمر الأكثر وكثيراً ما يكون من غير أن يظهر لها سبب ويحدث عنها وكان الأمر من
القديم وتولد الأورام الكانت في المرض **والصحة في شيوخه** إلا القاعون فيرى أن الصحة يكون من
سادة تسمى الرطب واليبس والبارد والمرو والكروم في الكيفيات وإن قلب بعضها بعضاً
كحدث الأمراض لأن كل واحد إذا قلب بدارته كان معدداً للأخر فإما أن ينس فري أن
الأمراض يكون إما من قبل العلة التي ليس به فربما في الحرارة والبرودة وإما من قبل العلة التي
يسبب فيه فهي الدم أو في اليرقان لأن في يدين يكون سادس الأمراض وقد يكون كبراً من الكلي
أرض البياض والصدية والحمى وما يشبه ذلك وإلا الصحة فهي القدر **كما يكتب ما واما**
فإنه ليس فيرى أن كثيراً من الأمراض يكون مع قبل **التي في البدن وسراج الهواء**
وزيادة الغذاء وقلة الهضم وفن الغذاء وإما أصحاب الرواق والأطباء فانهم متفقون على أن
الشيخوخة يكون من نقصان الحرارة والذين الكاد في أبدانهم كثير يطول موتهم في الشيخوخة وإما أهل أدو
يقولون أن الزنوج يهرمون سريعاً في مقدار اعتدال الحرارة وانها تنس وإما الذين يكمنون البعد
الذي يقال له رطيباً فيقول أنهم يهرمون في مادة وشعرين سنة لأن أياكهم بارد والحرارة الغريبة
التي تلبث منها وإمدان الزنوج تتخذ لأن أشس قد خلقها وإما الذين يكمنون في شمس
فإن أبدانهم سكا نفة ولذلك يكونون أطول زناً
فت المقالة الخامسة من كتابه في الطب
وتمامه تم الكتاب وهو سنة
واحد وستون
وهداهم
وهداهم

(اشکوری، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۷۴۵۷). در آخرین نسخه آمده است: «في ليلة شهر رجب ۱۳۳۴» که نشان می دهد نسخه متأخر است.

نتیجه

از آنچه گفته شد دانسته می شود کتاب الآراء الطبيعية منسوب به فلوطرخس کتاب مهمی برای فهم پیش از سقراطیان در جهان اسلام بوده است. تاکنون این رساله یک بار توسط مرحوم دکتر بدوی تصحیح شده است. اساس کار دکتر بدوی تنها یک نسخه خطی بوده است؛ اما با توجه به نسخه هایی که در این مقاله به آنها اشاره شد، باز تصحیح این رساله موجه خواهد بود.

کتاب نامه

۱. ابن ابی أصیبه، احمد بن قاسم؛ عیون الأنباء في طبقات الأطباء؛ تصحیح محمد باسل عیون السود؛ بیروت: منشورات محمد علی بیضون دارالکتب العلمية، ۱۹۹۸ م.
۲. ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد؛ تفسیر مابعد الطبيعة؛ تصحیح موریس بویر؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۷.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ الشفاء (الطبیعیات)؛ تحقیق سعید زاید و دیگران؛ چ دوم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۵. ابوحاتم رازی، احمد بن محمد؛ أعلام النبوة؛ تقدیم و تحقیق و تعلیق: صلاح صاوی و غلامرضا اعوانی؛ چ دوم، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
۶. اذکالی، پرویز؛ فهرست ما قبل فهرست (آثار ایرانی پیش از اسلام)؛ مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۷. آمدی، سیف الدین؛ أبقار الأفكار في أصول الدين؛ تحقیق و تعلیق احمد فرید المزیدی؛ بیروت: منشورات محمد علی بیضون دارالکتب العلمية، ۱۴۲۴ ق.
۸. بدوی، عبدالرحمن؛ مقدمه بر الآراء الطبيعية في النفس؛ بیروت: دار القلم، ۱۹۸۰ م.
۹. حسینی اشکوری، سید جعفر؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۰. حسینی، سید احمد؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله نجفی مرعشی؛ زیر نظر سید محمود مرعشی؛ چ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، [بی تا].
۱۱. خوانساری، محمد باقر؛ روضات الجنات في أحوال العلماء و السادات؛ تحقیق اسدالله اسماعیلیان؛ قم: دهقان (اسماعیلیان)، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. دائرة المعارف العثمانية؛ تذكرة النوادر من الخطوط العربية؛ حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۵۰.
۱۳. درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)؛ تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۱۴. —؛ فهرستواره دستنوشته ها ایران (دنا)؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۵. —؛ فهرستواره دستنوشته ها ایران (دنا)؛ مشهد: مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد، ۱۳۹۸.
۱۶. رازی، فخرالدین؛ الأبعین في أصول الدين؛ قاهره: مکتبه الکلیات الأزهرية، ۱۹۸۶ م.
۱۷. شهرزوری، شمس الدین محمد بن محمود؛ نزهة الأرواح و روضة الأفراح (تاریخ حکماء)؛ ترجمه مقصود علی تبریزی؛

- به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمدسرور مولائی؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۸. _____: رسائل الشجرة الإلهية في علوم الحقايق الربانية؛ مقدمه و تصحيح و تحقيق: دکتر نجفقلی حبیبی؛ تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
۱۹. شهرستانی، عبدالکریم؛ الملل و النحل؛ تحقیق محمد بدران؛ چ سوم، قم: انتشارات الشریف المرتضی، ۱۳۶۴.
۲۰. ضیاء شهابی، پرویز؛ سرآغاز و سرانجام هست‌ها؛ تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۶.
۲۱. قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف؛ تاریخ الحکماء ترجمه فارسی از قرن یازدهم؛ به کوشش بهین دارائی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۲. کارل، بروکلیمان؛ تاریخ الأدب العربي؛ ترجمه عبدالحلیم نجار؛ چ سوم، مصر: دار المعارف، [بی‌تا].
۲۳. گروهی از نویسندگان؛ المخطوطات العربیة فی جامعة برنستون؛ تعریب و تحقیق محمد عایش؛ [بی‌جا]: سفینه الصفا العلمیة، ۱۴۳۲ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. مقدسی، مطهر بن طاهر؛ البدء و التاریخ؛ [بی‌جا]: مکتبه الثقافة الدینیة، [بی‌تا].
۲۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم؛ رساله الحدوث؛ تحقیق و تصحیح سیدحسین موسویان؛ تهران: انتشارات بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۷۸.
۲۷. نیچه، فریدریش؛ حکمت در دوران شکوفایی فکری یونانیان؛ بازگویی کامبیز گوتن؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی